

فهرست مطالب

سخنی با خواننده ۱۱

مقدمه ۱۳

فصل اول: جایگاه وحی در فلسفه سیاسی

از منظر فارابی

۱. فلسفه و فلسفه سیاسی ۲۱

الف) فلسفه و نسبت آن با دیگر علوم و صنایع ۲۲

ب) جایگاه فلسفه سیاسی ۲۶

ج) موضوع فلسفه سیاسی ۳۳

۱. سعادت ۳۴

۲. چگونگی تحقق اخلاق و رفتار فاضله در مدینه ۳۵

۲. جهان‌شناسی ۳۶

۳. انسان‌شناسی ۴۵

۴. وحی ۵۹

۲۰۷ ۷. برآیند

**فصل سوم: جایگاه وحی در فلسفه سیاسی
از منظر شیخ اشراق**

۲۱۵	۱. فلسفه و فلسفه سیاسی
۲۱۵	الف) حکمت بحثی
۲۱۷	ب) حکمت ذوقی
۲۲۰	۲. جهان‌شناسی
۲۲۰	الف) حکمت بحثی
۲۲۲	ب) حکمت ذوقی
۲۲۹	۳. انسان‌شناسی
۲۲۹	الف) حکمت بحثی
۲۳۸	ب) حکمت ذوقی
۲۴۴	۴. وحی
۲۴۴	الف) حکمت بحثی
۲۵۲	ب) حکمت ذوقی
۲۵۷	۵. اجتماع‌شناسی
۲۵۷	الف) حکمت بحثی
۲۵۹	ب) حکمت ذوقی
۲۶۰	۶. پیامبری
۲۶۰	الف) حکمت بحثی
۲۶۱	ب) حکمت ذوقی

۷۵	۵. اجتماع‌شناسی
۷۹	۵-۱. مدینه
۸۴	۵-۱-۱. ریاست مدینه
۸۷	۵-۱-۱-۱. قانون‌گذاری
۹۷	۵-۱-۲. تعلیم و تربیت
۱۰۱	۵-۱-۲. رئیس مدینه
۱۱۱	۶. پیامبری
۱۱۳	۶-۱. فلسفه شریعت
۱۱۶	۶-۲. چگونگی قانون‌گذاری
۱۲۰	۷. برآیند

**فصل دوم: جایگاه وحی در فلسفه سیاسی
از منظر ابن‌سینا**

۱۳۵	۱. فلسفه و فلسفه سیاسی
۱۴۵	۲. جهان‌شناسی
۱۵۰	۳. انسان‌شناسی
۱۶۲	۴. وحی
۱۹۷	۵. اجتماع‌شناسی
۱۹۸	۶. پیامبری
۲۰۰	۶-۱. فلسفه شریعت
۲۰۴	۶-۱-۱. شریعت خاص / شریعت عام
۲۰۵	۶-۱-۲. قانون‌گذار و سیاستمدار

۳۵۸	۶. پیامبری
۳۸۰	فلسفه شریعت
۳۸۳	۷. برآیند
۳۹۱	نتیجه

پیوست

۳۹۹	نظریه‌های وحی در فلسفه سیاسی فارابی
۳۹۹	مقدمه
۳۹۹	فلسفه سیاسی
۴۰۱	جایگاه وحی در فلسفه سیاسی
۴۰۳	نظریه‌های وحی
۴۱۵	کتابنامه

نمایه‌ها

۴۲۹	اعلام
۴۳۱	کتاب‌ها
۴۳۴	مکان‌ها
۴۳۵	اصطلاحات

۲۶۴	۷. برآیند
-----	-----------

فصل چهارم: جایگاه وحی در فلسفه سیاسی از منظر خواجه نصیرالدین طوسی

۲۷۴	۱. فلسفه و فلسفه سیاسی
۲۸۰	۲. جهان‌شناسی
۲۸۰	۳. انسان‌شناسی
۲۸۴	۴. وحی
۲۸۹	۵. اجتماع‌شناسی
۲۹۳	۶. پیامبری
۳۰۰	۷. برآیند

فصل پنجم: جایگاه وحی در فلسفه سیاسی از منظر صدر المتألهین

۳۱۱	۱. فلسفه و فلسفه سیاسی
۳۲۷	۲. جهان‌شناسی
۳۳۴	۳. انسان‌شناسی
۳۳۷	۴. وحی
۳۳۷	گروه اول
۳۴۴	گروه دوم
۳۵۷	۵. اجتماع‌شناسی

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان براساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد. این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و

ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی در اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری را ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف بررسی نقش و جایگاه وحی و تأثیر آن در سامان فلسفه سیاسی و بررسی مسائل و موضوعات آن برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم آقای دکتر احمدرضا یزدانی‌مقدم، ناظر ارجمند آقای دکتر داود فیرحی، ارزیابان محترم آقای دکتر مرتضی یوسفی راد و آقای دکتر محسن رضوانی، مدیر محترم گروه آقای دکتر شریف لکزایی و مدیر محترم امور پژوهشی آقای محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران قدردانی کند؛ همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لکزایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی مهم در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در ضمن از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

فلسفه سیاسی از آغاز تا کنون کم و بیش به موضوع وحی و دین به مثابه فرآورده وحی توجه داشته است؛^۱ در این میان با توجه به ویژگی‌های اسلام، که دینی وحیانی است و ویژگی‌ها و چگونگی وحی به پیامبر خاتم 9، فلسفه سیاسی اسلامی نه تنها به وحی پرداخته است، بلکه بنا بر نظر رایج در تحلیل فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی، بنای فلسفه سیاسی اسلامی بر تبیین وحی و نسبت آن با سیاست و حکومت و... است.^۲ در این پژوهش جایگاه وحی در فلسفه سیاسی از منظر برجسته‌ترین فیلسوفان مسلمان بررسی شده است. دستاورد پژوهش حاضر این است که وحی جایگاه تعیین‌کننده‌ای در فلسفه سیاسی اسلامی دارد و می‌توان مباحث فلسفه سیاسی را در این رابطه بازخوانی کرد.

عنوان پژوهش حاضر «جایگاه وحی در فلسفه سیاسی» است. از چنین

۱. از جمله ر.ک: احمدرضا یزدانی‌مقدم؛ انسان‌شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی؛ صص ۳۸، ۴۲-۴۹، ۷۴-۸۴، ۱۴۸-۱۶۰، ۱۶۳-۱۶۵ و ۱۸۹-۱۹۲.

۲. از جمله ر.ک: هانری کرین؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ مقدمه هانری کرین. جواد طباطبایی؛ تاریخ فلسفه اسلامی. سید حسین نصر و اولیور لیمن؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ مقدمه سید حسین نصر و لیور لیمن. ماجد فخری؛ سیر فلسفه در جهان اسلام؛ مقدمه ماجد فخری.

مانند آثار فارابی و برخی آثاری هستند که به موضوعات فلسفه سیاسی نیز پرداخته‌اند، مانند آثار ابن‌سینا و دیگران. آری می‌توان فلسفه سیاسی مستنبط از این آثار را اساس مطالعه و پژوهش قرار داد و این، کاری است که در این پژوهش انجام گرفته است. دیگر اینکه آیا فیلسوفی چون ابن‌سینا را باید فیلسوفی مشایی به شمار آوریم یا فیلسوفی اشراقی و یا - چنان‌که مقبول‌تر است - فیلسوفی مشرقی؟ با توجه به گفتار ابن‌سینا در الشفاء و منطق المشرقین ناگزیر باید او را فیلسوفی اشراقی یا مشرقی دانست که آثار خود را عمدتاً در چارچوب فلسفه مشاء عرضه می‌کند و در عین حال دیدگاه‌های اشراقی یا مشرقی خود را نیز در همین آثار مشایی گنجانده است و یا فیلسوفی چون شیخ اشراق از سویی فیلسوفی اشراقی است و از سوی دیگر بیشتر آثار او مشایی است و همان آثار مشایی نیز برخوردار از مفاهیم اشراقی است. با توجه به این نکات تصمیم بر این شد که در پژوهش به دیدگاه‌های خود این اندیشمندان پرداخته شود و تا جایی که امکان دارد تحول دیدگاه‌های این اندیشمندان نیز مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس در این پژوهش، جایگاه وحی در فلسفه سیاسی از منظر فارابی، ابن‌سینا، شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالمتألهین مورد مطالعه قرار گرفت.

با توجه به ابعاد موضوع و ارتباط آن با مباحث جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اجتماع‌شناسی در ترتیب مباحث، این ابعاد و ارتباط رعایت شد؛ همچنین قبل از ورود به این مباحث لازم بود دیدگاه این اندیشمندان درباره فلسفه و فلسفه سیاسی بررسی و در پایان فصل نیز برآیند آن ارائه شود. از آنجاکه این اندیشمندان موضوع وحی را در ادامه انسان‌شناسی و موضوع نبوت یا پیامبری را در ادامه اجتماع‌شناسی طرح و بررسی کرده‌اند، ترتیب ذیل برگزیده شد:

پژوهشی انتظار می‌رود که نخست وحی و فلسفه سیاسی را توضیح داده، سپس تأثیرات «وحی» را بر فلسفه سیاسی بیان کند. وحی در لغت به معنای اشاره سریع است^۱ و در اصطلاح به معنای ادراک و دریافت از غیب است.^۲ فلسفه سیاسی، بنا بر تعریف، فلسفیدن در حوزه سیاست و درباره موضوعات سیاسی است.^۳ حوزه سیاست، حوزه قدرت است و موضوعات سیاسی موضوعاتی هستند که با قدرت در ارتباط‌اند. در طول این پژوهش خواهیم دید که تعریف‌های مختلفی از وحی و فلسفه سیاسی در اندیشه فیلسوفان مسلمان ارائه شده است.

طرح نخستین این پژوهش آن بود که جایگاه وحی در فلسفه سیاسی مشاء، اشراق و متعالیه و سپس دوران معاصر مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. در فرایند پژوهش با توجه به چند نکته این طرح نخستین به کنار نهاده شد و طرح جایگزینی اساس کار قرار گرفت؛ یکی اینکه ما در واقع خارجی به مکتب‌های شکل‌گرفته فلسفه سیاسی مشاء و اشراق و متعالیه دسترسی نداریم و آنچه در دست ماست آثاری از فیلسوفان مسلمان است. گرچه در این میان فارابی به معنای واقعی کلمه یک فیلسوف سیاسی است و ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین را نیز می‌توان، کم و بیش، فیلسوفانی سیاسی دانست، نهایت اینکه می‌توان بر این اساس از مکتب فلسفه سیاسی مشاء سخن گفت؛ اما چنین موقعیتی در حال حاضر برای فلسفه سیاسی اشراق یا متعالیه وجود ندارد. در هر صورت برخی از آثار یادشده، آثاری در فلسفه سیاسی هستند،

۱. راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ قرآن؛ ص ۸۵۸ (اصل الوحی: الاشارة السريعة...).

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی التفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۱۳۱.

۳. لئو اشتراوس؛ فلسفه سیاسی چیست؛ ص ۲.

- فلسفه و فلسفه سیاسی؛
- جهان‌شناسی؛
- انسان‌شناسی؛
- وحی؛
- اجتماع‌شناسی؛
- پیامبری؛
- برآیند.

مقصود از تعبیر جهان‌شناسی، مطالعه و تحلیل جهان هستی و مراتب آن در اندیشه و فلسفه پرداز فیلسوف است. مقصود از انسان‌شناسی، مطالعه و تحلیل نفس انسان و اجزا و قوای آن در اندیشه فیلسوف است. مقصود از اجتماع‌شناسی، تحلیلی است که فیلسوف از اجتماع و چرایی و چگونگی آن ارائه می‌کند. از مجموعه مباحث مربوط به فلسفه و فلسفه سیاسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و ... آن مقدار که ارتباط مستقیم با بحث دارد، مورد توجه قرار گرفته و از مباحث مبسوط و ... اجتناب شده است؛ حتی در یک مورد درباره جهان‌شناسی، به تحلیل‌های دیگر ارجاع شده است؛ از این رو معمول موضوعات مطرح شده در این پژوهش قابل بحث و بررسی تفصیلی است و در این پژوهش بر ارتباط موضوعات با مقصود اصلی که همانا نشان‌دادن جایگاه وحی در فلسفه سیاسی است، تمرکز شده است. چنان‌که قابل مشاهده است، ذیل عناوین یادشده در این پژوهش تلاش شده است تفسیر جدیدی از این موضوعات ارائه و به برخی پرسش‌ها پاسخ داده شود و برخی ابهامات برطرف گردد. بخش مربوط به فارابی، از آنجاکه نخستین بخش بوده و برخی مفاهیم و مبانی برای اول بار در آن مطرح

می‌شود، ناگزیر از سایر بخش‌ها مبسوط‌تر است؛ چنان‌که به دلایل گفته‌شده در مقدمه بخش مربوط به خواجه نصیرالدین طوسی، این بخش بر کتاب اخلاق ناصری متمرکز است و نسبت به دیگر بخش‌ها مختصرتر است. از نظر رعایت توازن هم به نظر می‌رسد توازن حقیقی میان بخش‌ها به همین معناست که اقتضای موضوع و جوانب آن رعایت شود و نباید انتظار توازن شکلی از پژوهش داشت.

باید توجه داشت که معمول این فیلسوفان، در فلسفه سیاسی خود، مبانی و کلیات را بیان کرده‌اند و احتمالاً چنین می‌اندیشیدند که با به‌دست‌دادن مبانی، بقیه مطالب قابل استنباط است. در این پژوهش نشان داده می‌شود که در فلسفه سیاسی نظریه‌های متعدد و متفاوتی درباره وحی قابل مشاهده است؛ حتی گاه یک اندیشمند چند نظریه در این باره دارد. چنان‌که گفته شد، نظریه‌های وحی در فلسفه سیاسی با مباحث مربوط به جهان، انسان، اجتماع و سیاست در ارتباط است. بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر و تأثر میان این مباحث بر عهده پژوهش مستقلی است. در هر صورت می‌توان مشاهده کرد که تحول در نظریه وحی به تحول در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اجتماع‌شناسی و ... انجامیده است یا بر عکس؛ چنان‌که تأثیر نظریه‌های متفاوت وحی از جمله بر علم‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اجتماع‌شناسی، قانونگذاری، سیاستگذاری، ویژگی‌های ریاست و رئیس فاضل، نسبت پیامبری و فیلسوفی، خود، می‌نمایاند. برای نمونه با توجه به تحلیلی که فارابی از فلسفه سیاسی دارد و در فرمانروایی موضوع تعقل و تجربه و ... را داخل می‌کند، اگر گفته شود که پیامبر جزئیات را دریافت می‌کند، در این صورت سطح پیامبری فروتر از سطح فیلسوفی خواهد بود و با تحول شرایط اجتماعی، این فیلسوف

است که قانون‌گذاری جدید متناسب با شرایط را انجام می‌دهد؛ اما اگر گفته شود که پیامبر کلیات را دریافت می‌کند یا کلیات را هم دریافت می‌کند یا قوه قانون‌گذاری را دریافت می‌کند، در این صورت پیامبری هم‌سطح فیلسوفی، بلکه فوق آن خواهد بود.

در یک نگاه کلی این پژوهش نشان می‌دهد چگونه وحی الهی و پیامدهای آن، در تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی، اندیشمندان و فیلسوفان را تحت تأثیر قرار داده و چگونه به طرح و بسط مباحث فلسفه سیاسی یاری رسانده است. دستاورد این اندیشمندان از عظمت و تأثیر وحی الهی حکایت دارد؛ اما لزوماً به معنای دستیابی آنها به حقیقت وحی الهی و چگونگی آن نیست.

شایان ذکر است در سراسر این پژوهش افزون بر منابع اصلی از مجموعه‌ای از آثار اندیشمندان حوزه‌های مربوطه استفاده کرده‌ام. همچنین در مراحل اولیه پژوهش از اثر دکتر موسی ملایری با عنوان «تیین فلسفی وحی از فارابی تا ملاصدرا» بهره برده‌ام. در پایان از همکاران محترم در گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی و حجج الاسلام آقایان سعید بهمنی، حسن رضانی، محمدمین صادقی ارازگانی و ابوالفضل یغمایی برای گفتگوهای فیما بین و دکتر محمد سوری که مجموعه‌ای از آثار فارابی، ابن سینا و شیخ اشراق را در اختیار نگارنده قرار داد، و آقای ولی‌الله کارگر که برای تایپ این پژوهش زحمات زیادی را متحمل شد، سپاسگزارم.

فصل اول

جایگاه وحی در فلسفه سیاسی

از منظر فارابی

محمد بن محمد ابونصر فارابی آغازکننده و بنیانگذار سنت فلسفه سیاسی اسلامی است و عناصر و چارچوب اصلی و کلی این سنت را در آثار خود ترسیم کرده است. مفاهیم اصلی این سنت فلسفه سیاسی چون سعادت، ریاست، فرمانروایی، قانون‌گذاری و وحی در آثار فلسفه‌ورزان سیاسی اسلامی قابل مشاهده است. این سنت مراحل را گذرانده است و در درون آن می‌توان مناظره‌ها و نوآوری‌ها را ملاحظه کرد.

فارابی در قریه‌ای به نام وسیج، نزدیک فاراب در سال ۲۵۷ هجری قمری متولد شد و در حدود ۳۳۹ هجری قمری، درگذشت. وی عمدتاً در بغداد تحصیل کرد و در حلب در دربار سیف‌الدوله حمدانی - که بین ۳۳۲-۳۵۷ هجری قمری حکومت کرد - شکوفا و نامدار شد. او را به لحاظ آنکه از شارحان بزرگ منطق ارسطو بود، معلم ثانی نامیده‌اند.^۱

۱. برای آگاهی از وجوه «معلم ثانی» نامیدن او، رک: سیدحسین نصر؛ «چرا فارابی را معلم ثانی خوانده‌اند»؛ ص ۵۷-۶۴.